

بررسی تاثیر قرارهای فرعی انگلستان در پیشگیری از جرم و اختیار پلیس در صدور آنها

هادی همدانی^۱، نسرين مهرا*^۲، محمد اشوری^۳، محمدعلی اردبیلی^۴

چکیده:

استفاده از یافته‌های جرم‌شناسی و کیفرشناسی در حوزه اجرای کیفر و نهادهای مشابه کیفر امری است که امروزه مورد وفاق جرم‌شناسان و حقوق‌دانان است. قوانین کیفری در اغلب نظام‌های حقوقی در طی دهه‌های اخیر مورد بازبینی و تغییر قرار گرفته و امروزه شاهد حذف برخی مجازات‌ها چون اعدام و افزودن برخی نهادها و تدابیر چون قرارهای فرعی، مجازات‌های اجتماعی، قرارهای نظارت قضایی و مجازات‌های تکمیلی به نظام عدالت کیفری هستیم. آنچه مسلم است و مورد تأیید علم جرم‌شناسی قرار گرفته آن‌که مرتکبان بزه با هم تفاوت دارند و عوامل بروز جرم متفاوت است. در مرحله واکنش نیز برخورد متفاوت با مرتکبان به جهت تفاوت‌های زیستی، روانی و اجتماعی آنان گریزناپذیر است. این مساله تحت عنوان فردی کردن تصمیمات کیفری مورد توجه جرم‌شناسان و متخصصین حقوق کیفری قرار گرفته است. علاوه بر این تنها راه برخورد با مرتکبان بالقوه و بالفعل بزه، مجازات نیست. این همان مقوله‌ای است، که علم جرم‌شناسی بر آن تأکید می‌کند. برخوردهای غیرتنبیهی و پیشگیرانه نیز امروزه سهم عمده‌ای از امکانات نظام‌های اجتماعی را به خود اختصاص داده‌اند. اساساً استفاده از تدابیر و نهادهای موازی با کیفرهای متعارف و اصلی می‌تواند در تعیین مجازات اصلی اثرگذار باشد. به هر جهت، اعمال تدابیر مذکور در صورتی که به اختیار قضات باشد باید به طور دقیق بررسی شده و تعامل آن‌ها با مجازات‌های اصلی و تاثیرات و تاثرات احتمالی آن‌ها مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: قرارهای فرعی، پلیس، پیشگیری از جرم، قرارهای نظارت قضایی.

* دانش‌آموخته دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

** دانشیار دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) docnas@mail.com

*** استاد گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

**** استاد گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

مقدمه

پس از شکل‌گیری مکتب تحقیقی علاوه بر فعل ارتكابی، مرتکب بزه نیز مورد توجه واقع گردید. انسان‌ها از جهات مختلف با یکدیگر متفاوت‌اند. این تفاوت‌ها در نتیجه تاثیر عواملی است که گاه از روان و جسم افراد منشأ می‌گیرد و گاه دارای منشاء بیرونی و مربوط به محیط زیستی و اجتماعی انسان است. (کی‌نیا، ۱۳۶۹: ۱۶۷) درک چنین نقیصه‌ای در رسیدگی‌های سابق بر آن انقلابی در نظام عدالت کیفری ایجاد کرده و منجر به شکل‌گیری دانشی تحت عنوان جرم‌شناسی گردید. صرف‌نظر از آن‌که ظاهر اصطلاح جرم‌شناسی با محتوای آن‌که بیشتر مرتکب‌شناسی است تفاوت دارد، پس از شناخت مرتکب، بحث تدبیر مناسب جهت پاسخ‌دهی به میان می‌آید. در این مرحله است که بر خلاف دهه‌های گذشته که تفکیکی بین علوم مختلف وجود نداشته است پای کیفر-شناسی به میان می‌آید. لذا امروزه بر خلاف گذشته، دیگر بحث تدابیر تنبیهی در حوزه جرم‌شناسی مطرح نمی‌گردد. درست است که امکان بررسی تدابیر غیرتنبیهی کنشی در حوزه جرم‌شناسی وجود دارد لیکن این بدان معنا نیست که در مرحله واکنش نتوان به هیچ وجه از دستاوردهای جرم‌شناسی استفاده نمود. می‌توان قائل بر آن بود که توجه به تدابیر اصلاحی نشان‌دهنده تاثیر جرم‌شناسی بر حقوق کیفری است. از جانب دیگر سوالی که قابلیت طرح دارد آن‌که، زمانی که صحبت از کنش‌های مربوط به جرم است آیا می‌توان در درون نظام عدالت کیفری مبادرت به تعیین و اجرای این موارد نمود؟ در این مرحله است که بحث پیشگیری رخ می‌نماید. امکان توسل به تدابیر پیشگیرانه در درون نظام عدالت کیفری، با توجه به وجود امکانات نظام مذکور شاید در بادی امر، امری ممکن به نظر برسد لیکن با توجه به آن‌که در درون نظام عدالت کیفری هر نقض و تخلفی مابه‌ازای تنبیهی دارد نمی‌توان از پیشگیری به معنای واقعی کلمه سخن به میان آورد. از جانب دیگر، وجود ابزار اعمال قدرت و تنبیه در درون نظام عدالت کیفری سبب شده است تا ذهنیت کنش‌مدار و غیرتنبیهی از اولویت لازم برخوردار نباشد. در چنین فضایی است که می‌توان به لزوم ورود روش و علمی قابل بود که از یافته‌های جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی استفاده نموده و مسیری هماهنگ در برخورد با مرتکبان جرایم در پیش گیرد. با توجه به موارد فوق و صرف‌نظر از اشکالات اقتباس‌های غیرکارشناسانه، خصوصاً در مورد مقوله حساس کیفر و تدابیر مشابه، بررسی نظام‌های دیگر کیفری سبب خواهد شد با دستاوردها و اشکالات عملی اجرای مقرره‌های موجود در سایر قوانین و نظام‌ها آشنا شده و در صورت بررسی‌های فنی مربوطه و با توجه ویژه به شرایط و اوضاع و احوال بومی، نسبت به اتخاذ و اجرای موارد پیش‌گفته اقدام نمود. این مهم حاصل نمی‌شود مگر آن‌که دو شرط محقق گردد: (۱) فهم دقیق از نهادها و تدابیر موجود در سایر نظام‌های کیفری و (۲) توجه به ظرفیت‌های داخلی در هر دو جنبه علمی و عملی. مجازات-

ها در نظام انگلستان عبارتند از مجازات سالب آزادی، مجازات‌های اجتماعی، جزای نقدی و رفع اتهام. رفع اتهام‌ها برای جرایم کوچک استفاده می‌شوند، زمانی که دادگاه تصمیم می‌گیرد که مجازات را تحمیل نکند به جهت این که تجربه حضور در دادگاه مجازات کافی به حساب می‌آید (در کنار سابقه کیفری ناشی از محکومیت). علاوه بر مجازات‌های مذکور در نظام مذکور قاضی دادگاه کیفری و صلح می‌تواند وفق مقررات موجود قرار فرعی^۱ نیز تحمیل نماید.

قرارهای مذکور همان‌طور که ذکر گردید علاوه بر مجازات اصلی و جهت جبران خسارت ایجاد شده توسط مرتکب و جلوگیری از تکرار جرم و بزه‌دیدگی مجدد صادر می‌گردد. در صدور قرارهای فرعی، قاضی دادگاه کیفری و صلح شرایط و اوضاع و احوال جرم و مجرم را در نظر می‌گیرد. در بسیاری مواقع مقام تعقیب و پلیس از دادگاه صدور قرار مزبور را درخواست می‌نماید.^۲

۱. پیشگیری، انواع و مصادیق آن

افرادی که برای ارتکاب جرم برنامه‌ریزی می‌کنند، اغلب دارای تصورات ناقص یا غیرواقعی بینانه‌ای در مورد احتمال دستگیری و مجازات خود و نیز شدت مجازات احتمالی هستند. از نظر هوساک، مجازات برای آن که قابل توجه باشد باید به میزان و متناسب مورد استفاده قرار گیرد و تنها نسبت به جرمی که دارای ضرر و زیان خفیف نیست تعیین شود و تنها نسبت به کسی باید مورد توسل واقع گردد که مرتکب رفتار خطا کارانه یا قابل سرزنش شده است. (هوساک^۳، ۲۰۰۱: ۹۲-۱۰۳)

پیشگیری از جرم در مفهوم موسع آن قدمتی دیرینه دارد. اما از دهه هفتاد میلادی بود که پیشگیری از جرم به عنوان یکی از کارکردهای اصلی دستگاه عدالت کیفری در دنیا مطرح شد. البته از زمانی که مکتب تحقیقی مفهوم حالت خطرناک را مطرح نمود، توجه به تدابیر پیشگیرانه نیز مطرح نظر قرار گرفت. صرفنظر از آن که تئوری‌های مختلف چون مجرم مادرزاد با شکست مواجه گردید لیکن اصل برخورد با عامل جرم به جای معلول (مرتکب) مورد قبول واقع

¹ Ancillary order

² In addition to the sentence imposed, the judge or magistrate may also impose other orders, known as ancillary orders. Some ancillary orders are aimed at redressing the harm caused by an offender, such as compensation orders. Others aim to prevent future re-offending or repeat victimisation, including criminal behaviour orders and exclusion orders.

In certain situations a judge or magistrate must impose an ancillary order; for example, an offender found guilty of causing death by dangerous driving must be disqualified from driving for a minimum of two years. Also, where an offence has resulted in personal injury, loss or damage a court must consider whether to make a compensation order.

In other situations it is up to the judge or magistrate to decide whether an ancillary order is appropriate or necessary, taking into account the circumstances of the offence and the offender. In many cases the prosecution will invite the court to make relevant orders. <http://www.sentencingcouncil.org.uk-2019.01.10>

³ Husak

گردید. لذا تا دهه‌ها نظریه اصلاح و درمان نظریه غالب در گفتمان جرم‌شناسی بود. رفته رفته با بررسی‌های دقیق‌تر در خصوص میزان کارایی نظریه مذکور و خصوصاً با بررسی درصد تکرار جرم افرادی که در چارچوب نظریه اصلاح و درمان با آنها برخورد شده بود نتایج قابل تاملی پدید آمد که مهم‌ترین وجه آن عدم کارایی نظریه اصلاح و درمان و عدم برآورده شدن انتظارات از این نظریه بود. لذا در برخی از نظام‌های کیفری، بحث بازگشت به جنبش سزاگرایی مطرح گردید که از همان ابتدا افراطی می‌نمود. لیکن به تدریج و با نضج گرفتن برخورد افتراقی با اقشار مختلف که مرتکب جرایم می‌شدند و نیز با بررسی‌های دقیق‌تر نسبت به افراد مختلف، نظریه اصلاح و درمان نیز این بار به طور معقول‌تر و صرفنظر از رویاپردازی‌های گذشته مورد توجه واقع گردید.

یک نوع تقسیم‌بندی در خصوص پیشگیری، تقسیم آن به پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی است. پیشگیری وضعی با توجه به فرصت‌های ارتکاب جرم طرح‌ریزی شده و می‌کوشد این فرصت‌ها را کاهش دهد. از طرف دیگر، پیشگیری اجتماعی به انگیزه‌های جرم در فرایند رشد فرد مربوط است.

مطالعات نشان می‌دهد که موفق‌ترین ملاحظات و برنامه‌های پیشگیرانه، آن‌هایی هستند که عوامل خطر را در سطوح مختلف مورد توجه قرار می‌دهند.

بیشتر اقدامات در مورد پیشگیری اجتماعی از جرم، بر مداخلات در سطح خانواده و دوران کودکی متمرکز است. این نوع مداخلات که در سطح فردی صورت می‌گیرند، اگر چه ارزشمند هستند اما کافی نیستند زیرا محیط اجتماعی که جرم و سایر کاستی‌ها را به وجود آورده است مورد توجه قرار نمی‌گیرند.

علاوه بر موارد پیش گفته، یکی از معیارهای تقسیم‌بندی اقدامات پیشگیرانه، معیار زمان است. مطابق این معیار و بر حسب تقدم زمانی اقدامات پیشگیرانه نسبت به یکدیگر، آن‌ها را به سه دسته نخستین، ثانویه و ثالث تقسیم کرده‌اند.

چنانچه اقدامات و تدابیر پیشگیرانه در جهت برهم زدن اوضاع و احوال جرم‌زا در محیط فیزیکی و اجتماعی صورت پذیرد، پیشگیری اولیه نامیده می‌شود. پیشگیری اولیه متضمن کاهش فرصت‌های مجرمانه بدون توجه به بزهکاران است. پیشگیری اولیه را می‌توان مقرون به صرفه‌ترین روش برای حل معضل جرم دانست زیرا در درازمدت سبب کاهش بسیاری از هزینه‌های مربوط به مقابله با جرم می‌گردد.

اگر چند قدم به رفتار مجرمانه نزدیک شویم و اقدامات اتخاذ شده در جهت مداخله در حالت‌های در آستانه وقوع جرم باشد مجموعه چنین اقداماتی تحت عنوان پیشگیری ثانویه قرار می‌گیرد. لذا پیشگیری ثانویه، پیشگیری برای خنثی نمودن حالت‌های خطرناک است. در این نوع پیشگیری،

تمرکز بر ایجاد تغییر در افراد پیش از ارتکاب جرم توسط آن‌هاست. پیشگیری ثانویه می‌کوشد که جرم را پس از آن‌که برخی عوامل هشداردهنده آن بروز کردند، متوقف سازد. رفتارهای ضداجتماعی و حتی ارتکاب جرم توسط فرد و تحمل مجازات و اقدامات پس از تحمل کیفر توسط مجرم و در راستای پیشگیری از ارتکاب جرم را، می‌توان در قالب پیشگیری ثانویه تفسیر نمود.

۱-۱. پیشگیری تنبیهی

مطالعات و یافته‌های تحقیقات در قلمرو تاریخ حقوق کیفری نشان می‌دهد که جوامع بشری برای مقابله با جرم عمدتاً از مجازات آن‌هم از انواع شدید آن (یعنی پیشگیری کیفری) استفاده می‌کرده‌اند.

سوال این است که آیا با کیفر دادن می‌توان سبب پیشگیری شد؟

یکی از اهداف اصلی مجازات‌ها، بازدارندگی نسبت به جرایم احتمالی آتی است. لیکن آن‌چه از آن تحت عنوان پیشگیری در ادبیات جرم‌شناسانه یاد می‌شود، تدبیر و یا فرایند کنشی است و نه واکنشی. در صورتی که ما از مرحله کنش فراتر رفته و وارد حوزه واکنش شویم اتفاقاً از حوزه جرم‌شناسی به معنای خاص خارج شده و وارد شاخه کیفرشناسی شده‌ایم. ذهنیت جرم‌شناسانه در پی شناسایی عوامل ارتکاب جرم در مرحله نخست و پس از آن و در وادی عمل، پیشگیری از ارتکاب جرایم است. اما آن‌جا که نظام عدالت کیفری وارد عمل شده و مبادرت به برخورد با مرتکب می‌نماید دیگر نمی‌توان از پیشگیری به معنای علمی و پذیرفته شده آن سخن گفت. آن‌چه در این مرحله رخ می‌دهد نشان‌دهنده انفعال نظام عدالت کیفری است. به هر جهت در این مرحله جرمی رخ داده و نظام عدالت کیفری لاجرم بایستی با آن برخورد کند. ارباب در جهت بازدارندگی از ارتکاب جرم، از اهداف کیفر است لیکن نسبت به جرایم آتی؛ بنابراین این هدف کیفر را نمی‌توان هدف پیشگیری به معنای دقیق در نظر گرفت.

۲-۱. مفهوم جرم شناختی پیشگیری

یکی از اهداف انواع نوین کیفرها، خارج کردن آنها از دایره تدابیر تنبیهی و غیرتنبیهی کردن انواع مجازات‌هاست. پس از مدت‌ها آزمون و خطا و استفاده از کیفرهای سخت و طاقت فرسا، تصمیم‌سازان در حوزه کیفر و جرم‌شناسان به این نتیجه رسیدند که کیفر آن نتیجه‌ای را که از آن انتظار داشته‌اند دربر نداشته است. بررسی آمار تکرار جرم آزاد شدگان از زندان نشان داد که نظام‌های عدالت کیفری در راستای تحقق هدف بازدارندگی موفق نبوده‌اند. صرفنظر از اشکالات و محدودیت‌های علمی در جهت اعمال کیفر، اساساً کیفر آن ظرفیتی که از آن انتظار می‌رفته دارا نبوده است. عامل بروز رفتار مجرمانه متعدد بوده و بر حسب نوع نگاه و برداشت جرم‌شناسان،

مختلف و بعضاً متعارض است. این تفاوت در دیدگاه‌ها به جهت عدم شناخت دقیق شخصیت انسانی از یک طرف و در مرحله بعدی به جهت بررسی جرم به صورت مجزا و متنوع از فرد مرتکب آن بوده است. نقصی که بیشتر از یک قرن است تلاش می‌شود جبران شود. اما آنچه اهمیت دارد عدم کارایی کيفرها در آن سطحی است که از آن‌ها انتظار می‌رود. این موضوع سبب شده است کشورهای پیشرفته با توجه به دسترسی به آمار جنایی در سطح گسترده و نظام‌مند، به استفاده از کيفرهای جایگزین و غیر تنبیهی مبادرت نمایند. یکی از شروط اصلی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر جهت اعمال مجازات‌های نوین توجه به جنبه پیشگیرانه تدابیر است؛ اما آیا قرارهای فرعی و مجازات تکمیلی، تنبیهی بوده و یا اوصاف غیر تنبیهی آنها غلبه دارد؟ با بررسی مجموعه قرارهای فرعی متوجه می‌شویم که رویکرد غالب در این گونه تدابیر پیشگیری از جرم بوده و تعداد کمی از این تدابیر جنبه کیفری و تنبیهی دارند.

۱-۳. ایراد وارد بر پیشگیری ثالث

آن چه به عنوان یک ایراد بسیار اساسی به تدابیر غیر تنبیهی و یا انواع جدید مجازات‌ها مثل مجازات‌های اجتماعی، قرارهای فرعی در انگلستان و مجازات‌های تکمیلی و حتی قرارهای نظارت قضایی در حقوق ایران وارد است، ضمانت اجرای این تدابیر و مجازات‌هاست. در اغلب موارد ضمانت اجرای عدم تبعیت و عدم اجرای تدابیر و مجازات‌های مذکور، مجازات‌های مرسوم است. نمونه اصلی این مجازات‌ها نیز مجازات حبس است. این ایراد اساسی سبب می‌شود که از اجرای تدابیر و مجازات‌های فوق اطمینان حاصل نگردد.

گرچه تمام تدابیری که نظام عدالت کیفری در مورد مرتکبان جرایم و حتی افرادی که دارای حالت خطرناک هستند، در نظر می‌گیرد به نوعی محدود کننده بوده و دارای صبغه تنبیهی است، لیکن در این نوشتار منظور از تدابیر غیر تنبیهی، تدابیری است که بیشتر در جهت رفع حالت خطرناک بوده و تامینی هستند و از شدتی به مراتب کمتر از تدابیر تنبیهی برخوردارند.

۲. تعامل قرارهای فرعی و پیشگیری از جرم و نقش پلیس در صدور قرارهای فرعی

درست است که قرارهای فرعی پس از ارتکاب جرم توسط فرد به کار گرفته می‌شود لیکن نمی‌توان این قرارها را با مجازات‌های مرسوم یکی دانست و آن‌ها را در قالب اقدامات ذیل پیشگیری ثالث مورد بررسی قرار داد. در پیشگیری ثالث جلوگیری از استمرار حالت مجرمیت و خنثی کردن آثار آن در طول دوران محکومیت مورد نظر است. در حالی که قرارهای فرعی اقداماتی هستند که بدون طبع و آثار مجازات‌های مرسوم در راستای پیشگیری از جرم اتخاذ می‌گردند. به این ترتیب در حالی که توجه پیشگیری نخستین به نوع افراد جامعه است، پیشگیری ثانویه

کسانی را که در معرض ارتکاب جرایم هستند در نظر دارد. در نظام‌های کیفری دوگانه یعنی نظام‌های توامان مجازات‌ها و اقدامات تامینی مساله‌ای که همواره ممکن است در مرحله اجرای احکام مطرح گردد، تقدم و تاخر اجرای مجازات و اقدام تامینی است. در قوانین گذشته ایران، اولویت همواره به اقداماتی داده شده که جنبه شخصی دارد مانند درمان بیماران روانی و ترک اعتیاد معتادان و نظایر آن (اردبیلی، ج ۳، ۱۳۹۲: ۳۱)

در انگلستان مسئولیت هماهنگی‌های مربوط به پیشگیری از جرم، به عهده وزارت کشور است. تعداد زیادی از تحقیقات و برنامه‌ریزی‌های وزارت کشور انگلستان توسط گروه تحقیقات پلیس انجام یافته است. به عنوان مثال یکی از این برنامه‌ها در سال ۲۰۱۰، تخصیص مبلغ چهار و نیم میلیون پوند به طرحی است که هدف آن، تجهیز ابزارها، برنامه‌های آموزشی و تدابیر لازم برای پیشگیری از وقوع سرقت بوده است.

در نظام قضایی انگلستان با توجه به آن که اطلاعات پلیس به‌روز است و جهت کمک به سرویس دادستانی و دادگاه تعیین کننده حکم از این اطلاعات به نحو مطلوب استفاده می‌شود. سوابق در پلیس عموماً به سن، تعلیم، استخدام و شرایط و اوضاع و احوال زندگی خانگی مرتکب اشاره دارد و بایستی شامل جزئیات محکومیت قبلی نیز باشد. یک رهنمود عملی بیشتر در سال ۱۹۹۷ صادر شد و با رهنمود عملی سال ۲۰۰۲ ادغام شد و مقرر می‌دارد که سوابق ارائه شده توسط دادستانی باید با آن‌چه در رایانه ملی پلیس وجود دارد هماهنگ باشد. البته لازم به ذکر است که هیچ کشوری را نمی‌توان یافت که نهادی به نام پلیس یا مشابه آن نداشته باشد. آن‌چه در این کشورها متفاوت است حدود اختیارات می‌باشد. (یکرنگی، ۱۳۸۵: ۱۵۲) سوابق باید همیشه شامل سه مورد از جزئیات شامل جزئیات شخصی، سوابق کیفری، و سوابق اخطارها باشد و در دادگاه جزا باید اطلاعاتی مبنی بر شرایط و اوضاع و احوال سه محکومیت مشابه قبلی وجود داشته باشد و چنان‌چه پرونده شامل نقض قرار اجتماعی باشد، شرایط و اوضاع و احوال جرمی که آن قرار برای آن صادر شده باید بیاید. رهنمود عملی همین‌طور مقرر می‌دارد که پلیس باید جزئیات محکومیت هفت روز قبل از جلسه دادگاه را بررسی کند برای اطمینان از اینکه هر تغییری به نظر دادگاه برسد.

۲-۱. اختیارات پلیس در صدور قرارهای فرعی

پلیس در کشور انگلستان از حق تشخیص قابل توجهی در خصوص تعقیب برخوردار است. پلیس در این کشور می‌تواند جرم را نادیده انگارد و نسبت به مظنون احتیاط پیشه نماید یا آن‌که وی را متهم نموده و تصمیم به تعقیب وی بگیرد. (Slapper, Gary and Kelly, David, ۲۰۱۱: ۴۲۵)

در انگلستان قرارهایی وجود دارد که می‌تواند متعاقب درخواست پلیس توسط دادگاه صلح صادر گردد. مدت قرار به مجازاتی که با محکومیت در نظر گرفته شده است بستگی دارد. چنان‌چه

زندان فوراً تحمیل شود، قرار باید بین ۶ و ۱۰ سال باشد، اما در سایر موارد باید بین ۳ تا ۵ سال باشد. قرار ممنوع کننده، مجازات نیست بلکه صرفاً یک قرار پیشگیرانه است، اگر چه مقرر گشته تا استانداردهای اثبات آن بایستی برابر با رسیدگی های کیفری باشد.

پیشگیری های نخستین، دومین و سومین در بریتانیا به موازات هم انجام می گیرد؛ پلیس عهده دار پیشگیری نخستین است. نهادهای مربوط به امور جوانان، پیشگام در پیشگیری دومین هستند. زندان و نهادهای تعلیق مراقبتی پیشگیری سومین را انجام می دهند. (صبوری پور، ۱۳۸۳: ۱۲۷)

تحقیقاتی مانند آن چه که توسط اداره بازرسی سلطنتی نیروی پلیس انگلستان انجام گرفته است حکایت از آن دارند که اقدامات پلیس در صورتی بر بزهکاری تاثیر می گذارد که به صورت هدفمند و در پیوند ساختاری با نهادهای جامعه مدنی هم چون مدارس و شهرداری ها انجام گیرد. تعقیب دعوای عمومی برای جامعه یک حق است، ولی برای دادسرا و مقام تعقیب یک وظیفه است، زیرا دادسرا نماینده جامعه است و در این راستا باید منافع جامعه را حفظ نماید. (خزانی، ۱۳۷۷: ۱۷)

امکان صدور قراردادهای فرعی قبل از ارتکاب جرم و پس از آن و در مواردی که حکم برائت شخص صادر میشود و نیز در مواقعی که مجازات به هر جهت به اجرا در نمی آید بایستی وجود داشته باشد. فرضاً چنان چه مجازات مرتکب تعلیق گردد نیز بایستی ابزاری در اختیار نظام عدالت کیفری باشد تا از ارتکاب جرایم آتی توسط اشخاص جلوگیری گردد. در این خصوص می توان قرار حمایت از آزار و اذیت را بررسی نمود.

۲-۱-۱. بررسی قرار پیشگیری از جرایم جنسی - قانون جرایم جنسی مصوب ۲۰۰۵ مواد ۱۰۴ تا ۱۱۳

این قرار ممکن است متعاقب محکومیت فرد به جرایم مرتبط جنسی صادر گردد یعنی همان جرایمی که در بخش سوم قانون جرایم جنسی مصوب ۲۰۰۵ آمده است. جرم جنسی در قانون تعریف شده است. به طور خلاصه، جرم جنسی شامل: تجاوز به عنف، موارد شدید تر لواط، زنا با محارم، مقاربت با دختر خردسال، جریحه دار کردن عفت عمومی، گرفتن تصاویر مستهجن از کودکان، ورود به منزل دیگری به قصد تجاوز و هم چنین، فریب و اغوا به ارتکاب هر یک از جرایم مذکور است. (سبزواری، ۱۳۹۰: ۱۴۷) زمانی که دادگاه متقاعد شود که صدور این قرار با هدف حمایت از عموم یا یکی از اعضای جامعه از آسیب های شدید جنسی لازم است مبادرت به صدور این قرار می نماید. هر قرار باید متناسب با آسیب وارده توسط مرتکب بوده و محدود به موارد ضروری باشد و شرایط آن قابلیت اجرا داشته باشد.

هم‌چنین برای دادگاه ممکن است که چنین قراری را خارج از رسیدگی کیفری و با درخواست پلیس صادر نماید. محتوای قرار پیشگیری از جرایم جنسی به طور کلی منفی یا پیشگیرانه است و ممکن است شامل یک ممنوعیت در ایجاد هر نوع تماس یا ارتباط با یک شخص زیر ۱۶ سال و عدم سکونت در یک سکونتگاه شخصی در جایی که یک کودک کمتر از ۱۶ سال در آن جاسست باشد.

ماده ۱۲۳ قانون جرایم جنسی مصوب ۲۰۰۳ به دادگاه صلح اختیار می‌دهد این قرار را بنا بر درخواست پلیس در خصوص شخصی که در دو یا بیشتر از دو موقعیت درگیر شده که به طور صریح رفتار جنسی از خود بروز داده یا با بچه‌ها ارتباط داشته باشد صادر نماید. پلیس ممکن است در مورد شخصی که یک محکومیت داشته یا شخصی که محکومیت نداشته چنین درخواستی نماید. واضح است که پلیس ممکن است چنین درخواستی را در مرحله تعیین مجازات از دادگاه ننماید و دادگاه را به صدور چنین قراری دعوت کند. دادگاه تنها وقتی باید چنین قراری صادر نماید که متقاعد شده باشد که چنین قراری جهت حفاظت از یک یا چند کودک از آسیب جسمی یا روانی ضروری است. ماهیت این قرار، ممنوعیت از انجام هر چیزی که در قرار آمده برای حداقل دو سال است.

پیش‌نویس قرار بایستی به دادگاه ارائه شده و همین‌طور توسط مقام تعقیب بایستی به متهم تا ۲ روز قبل از جلسه محاکمه ارائه گردد. قرار باید با عبارات واضح و قابل فهم برای متهم باشد. این قرار ممکن است برای زمان مشخصی که کمتر از پنج سال نیست صادر شود و نیز ممکن است بدون محدودیت زمانی باشد.

این قرار ممکن است با تقاضای متهم توسط دادگاه تغییر کرده یا بر اساس تقاضای رییس پلیس تغییر کند. در زیر نمونه قرار صادره در خصوص محدودیت در استفاده از اینترنت در خصوص مجرم جنسی مورد ذکر شده است:

مرتکب محروم از: (۱) استفاده از هر وسیله‌ای که قابلیت دسترسی به اینترنت دارد مگر آن که قابلیت حفظ و نشان دادن سابقه استفاده از اینترنت را داشته باشد و متهم ابزار استفاده را جهت نظارت در دسترس پلیس قرار دهد.

(۲) حذف سابقه استفاده از اینترنت؛ (۳) استفاده از اینترنت برای ارتباط یا شروع به ارتباط با زنانی که متهم آن‌ها را می‌شناسد یا اعتقاد دارد که آنها کمتر از ۱۶ سال دارند. (۴) در اختیار داشتن هر وسیله‌ای که قابلیت ذخیره تصاویر را داشته باشد.

مگر آن که متهم ابزار را جهت نظارت پلیس قابل دسترس نماید. این قرار تا طول می‌کشد / نامحدود است.

نمونه دیگر در خصوص قرار محدودیت در ارتباط با کودکان:

مرتکب از داشتن هرگونه ارتباط بدون نظارت از هر نوع با هر دختر و پسر کمتر از ۱۶ سال به جز مواردی که عمدی در کار نیست و مواردی که ارتباط با آنها غیرقابل اجتناب است و مواردی که رضایت والدین یا سرپرستان طفل با وجود اطلاع از محکومیت متهم موجود است، محروم است.

این قرار تا ... به طول می انجامد / بدون محدودیت است.

۲-۱-۲. قرار محرومیت از زندگی با کودک

متهم محروم است از (۱) زندگی در خانه مشترک با هر دختر و یا پسر زیر ۱۸ سال مگر با تایید هیئت خدمات اجتماعی آن منطقه. (۲) داشتن ارتباط خارج از نظارت یا ارتباط از هر نوع با دختر یا پسر کمتر از ۱۸ سال به جز موارد غیرعمدی و مواردی که در زندگی روزمره غیرقابل اجتناب است و مواردی که والدین یا سرپرست طفل با وجود اطلاع از محکومیت فرد رضایت دارند و با تایید صریح هیئت خدمات اجتماعی برای آن منطقه. این قرار تا... به طول می انجامد / نامحدود است.

۲-۱-۳. اختیار پلیس در صدور قرار فرعی ممانعت در خصوص اماکن دارای مجوز

نمونه دیگر اختیار درخواست پلیس جهت صدور قرار اماکن دارای مجوز است. اگر چه پلیس می تواند در اغلب مواقع صدور قرار ممانعت را از دادگاه درخواست کند با این حال چنانچه یک قرار ممانعت درخواست گردد مقامات تعقیب باید آن را بررسی کرده و زمانی که آن درخواست را مناسب تشخیص دهند به دادگاه چنین اختیاری را یادآوری کنند.

ماده ۱ قانون اماکن دارای مجوز مصوب ۱۹۸۰، استثنائاتی را نسبت به یک شخص که به جرمی که در اماکن دارای مجوز ارتکاب یافته محکومیت یافته است در نظر گرفته است و مقرر داشته دادگاهی که متقاعد بشود در خصوص ارتکاب جرم، مرتکب متوسل به خشونت شده یا پیشنهاد یا تهدید به توسل به خشونت کرده چنین قراری را صادر می کند. این قرارها اشخاصی را که در ساختمانها ایجاد سر و صدا می کنند و برای اذیت کردن به دیگر مشتریان و به خطر انداختن مجوز اماکن مذکور مبادرت به رفتن به اماکن دارای مجوز می نمایند و بنابراین مستحق ممنوعیت از ورود به اماکن دارای مجوز هستند صادر شده و آنها را از ورود منع می کند.^۱ اگرچه پلیس می تواند در اغلب مواقع صدور قرار ممانعت را از دادگاه درخواست کند با این حال چنانچه یک قرار ممانعت درخواست گردد، مقامات تعقیب باید آن را بررسی کرده و زمانی که آن درخواست را مناسب تشخیص دهند به دادگاه چنین اختیاری را یادآوری کنند. قرار ممانعت

^۱ R v O gray 12 cr App.R. (s) 152, CA.

ممکن است بر اساس نظر خود دادگاه صادر شود. این قرار برای شخص ثالثی که بزه دیده یا طرف رسیدگی نیست مطلوب نمی‌باشد. فرایند معمول این است که شخص ذینفع این مورد را از مقام تعقیب درخواست می‌کند.^۱

۲-۱-۴. اختیار پلیس در صدور قرار ممنوعیت از تماشای فوتبال

نمونه دیگر در خصوص اختیار پلیس در درخواست صدور قرار فرعی در قانون تماشاگران فوتبال مصوب ۱۹۸۹ (اصلاحی توسط قانون بی‌نظمی فوتبال مصوب ۲۰۰۰) مقرر شده است. ماده ۱۴ ب ۲ مقرره‌های مشابهی را در ارتباط با تقاضای ارائه شده به دادگاه بر اساس تقاضای رییس پلیس محلی در صورتی که مخاطب (مدعی علیه) مقیم آن منطقه است یا نشان می‌دهد که مقیم خواهد شد تصویب نموده است. قانون‌گذاری در این حوزه در ابتدا به مسابقات فوتبال مربوط می‌شود. اختیاراتی برای ممنوعیت از مسابقات فوتبال بر اساس قانون تماشاگران فوتبال مصوب ۱۹۸۹ که توسط قانون بی‌نظمی فوتبال مصوب ۲۰۰۰ اصلاح شده است به دادگاه‌ها داده شده است. ماده ۱۴ الف قانون تماشاگران فوتبال مصوب ۱۹۸۹ (اصلاحی توسط قانون بی‌نظمی فوتبال مصوب ۲۰۰۰) مقرر داشته که متعاقب محکومیت به جرم مرتبط با فوتبال، دادگاه باید قرار ممنوع‌کننده‌ای در خصوص مسابقات فوتبال تعیین شده صادر کند؛ این مورد مشروط بر این است که متقاعد شود این تصمیم به پیشگیری از خشونت و بی‌نظمی در ارتباط با مسابقات فوتبال کمک می‌کند. اگر دادگاه در این خصوص متقاعد نشود، باید موضوع در دادگاه علنی مطرح شود و دلایل آن نیز عنوان گردد.

قرار ممنوعیت از تماشای فوتبال جهت محرومیت مرتکب که به یک جرم مرتبط در خصوص حضور در مسابقات فوتبال انگلستان و ولز محکوم شده، قابلیت صدور داشته و زمانی که تیم شرکت کننده در انگلستان و ولز یا لیگ برتر انگلستان، ولز یا اسکاتلند در خارج از بریتانیا بازی دارند متهم ملزم است پاسپورت خود را پنج روز قبل از مسابقه تا بعد از مسابقه تحویل دهد. زمانی که متهم به یک جرم مرتبط محکوم شود و دادگاه متقاعد گردد دلایل معقول جهت اعتقاد به پیشگیری از خشونت یا بی‌نظمی وجود دارد، اقدام به صدور این قرار می‌نماید. چنانچه دادگاه در خصوص چنین مواردی اقدام به صدور قرار نماید بایستی دلیل آن را با ذکر دلایل در دادگاه علنی بیان نماید. چنانچه مرتکب در خصوص جرایم مرتبط به حبس محکوم شود قرار محرومیت از تماشای فوتبال نباید برای کمتر از ۶ و بیشتر از ۱۰ سال صادر شود و چنانچه محکوم به حبس نشده باشد قرار فوق بایستی برای کمتر از ۳ سال و بیشتر از ۵ سال صادر نشود. جرایم مرتبط در بخش اول قانون ذکر شده است. نقض قرار یک جرم اختصاری است که با جزای نقدی تا درجه

¹ R v Penn (1996) 2 cr . App.R.(s) 46 CA

پنج یا ۶ ماه حبس قابل مجازات است.

دادگاه می تواند بر اساس تقاضای مقام تعقیب، قرار مبنی بر الزام پلیس به گرفتن عکس از شخص ممنوع شده یا حضور شخص ممنوع شده در ایستگاه پلیس برای گرفتن عکس از وی صادر کند.^۱ اهمیت شناسایی شخص ممنوع شده بدیهی است و مقام های تعقیب باید، در جایی که دادگاه متعاقب محکومیت قرار صادر می کند، مشخص کند عکس برداری در زمان دستگیری یا در زمان تحت نظر بودن شخص در ایستگاه پلیس بوده است.

۳. امکان صدور قرار فرعی با حراز حالت خطرناک مرتکب و اختیار پلیس جهت درخواست صدور قرار

در انگلستان قرارهایی وجود دارد که می تواند متعاقب درخواست پلیس توسط دادگاه صلح صادر گردد. مدت قرار به مجازاتی که با محکومیت در نظر گرفته شده است بستگی دارد. چنانچه زندان فوراً تحمیل شود، قرار باید بین ۶ و ۱۰ سال باشد، اما در سایر موارد باید بین ۳ تا ۵ سال باشد. قرار ممنوع کننده، مجازات نیست بلکه صرفاً یک قرار پیشگیرانه است، اگر چه مقرر گشته تا استانداردهای اثبات آن بایستی برابر با رسیدگی های کیفری باشد. در نظام های حقوقی مبتنی بر کامن لا مانند سیستم انگلستان، تا قرن ها بزه دیده عهده دار تعقیب بوده است و هیچ نهاد دیگری برای انجام این مهم وجود نداشته است. با گذشت زمان، پلیس به طور روزافزونی در امر تعقیب درگیر شد و زمانی که پلیس در ابتدای قرن نوزدهم به صورت سازمان یافته تشکیل شد، انتظار از پلیس آن بود که علاوه بر کشف جرم و دستگیری افراد مظنون، آغاز به تعقیب را نیز عهده دار شود. بدین روی در این کشور تنها نهاد تعقیب کیفری پلیس بود و تا مدت ها از نهاد دیگری به نام دادسرا خبری نبود. اما در اواسط دهه ۱۹۸۰ شیوه تعقیب در انگلستان و ولز دستخوش تغییر گردید و نهاد مستقل تعقیب ایجاد شده و رو به گسترش نهاد. (آشورت و رد ماین^۲، ۲۰۰۴: ۱۷۴-۱۷۵) افسران پلیس باید هر گونه اطلاعات اضافی لازم برای تصمیم گیری مقام های تعقیب در این خصوص که آیا دادگاه را به صدور چنین قراری دعوت کنند یا نه در اختیار مقام های تعقیب قرار دهند.

۳-۱. بررسی تاثیر قرار ممنوعیت سفر^۳ در پیشگیری از جرم

اختیار صدور قرار ممانعت از سفر در ماده ۳۳ قانون عدالت کیفری و پلیس مصوب ۲۰۰۱ مقرر

^۱ ماده ۳۵ قانون نظم عمومی مصوب ۱۹۸۶

^۲ Ashworth and Redmayne

^۳ Travel restriction order

شده است. ماده ۳۳ قانون عدالت کیفری و پلیس مصوب ۲۰۰۱ دادگاه‌ها را ملزم می‌نماید تا هر وقت یک مجرم را برای چهارسال یا بیشتر برای جرم قاچاق مواد مخدر مجازات کردند چنین قراری را نیز صادر نماید.

این قرار ممکن است متعاقب محکومیت به جرم قاچاق مواد مخدر چنانچه مدت حبس چهار سال یا بیشتر است قابلیت صدور دارد. این قرار برای جرایمی که بعد از سال اول آوریل ۲۰۰۲ ارتکاب یابد قابل اعمال است.

دادگاه باید به صدور چنین قراری توجه نماید و باید برای صادر نکردن چنین قراری در صورتی که اقتضای صدور قرار موجود است دلیل ارائه نماید. این قرار از سفر مرتکب برای حداقل ۲ سال از تاریخ آزادی ممانعت می‌کند؛ ماده ۳۴ جرم قاچاق مواد مخدر برای این هدف تصویب شده است. هدف این قرار کاهش ریسک ارتکاب مجدد جرم بعد از آزادی مجرم است. کارکرد این قرار، محرومیت محکوم از ترک بریتانیا برای یک دوره زمانی است که از زمان آزادی وی از زندان آغاز می‌گردد. محکوم ممکن است ملزم شود پاسپورت خود را نیز تحویل دهد. دادگاه اختیار صدور این قرار را در تمام موارد مشابه دارد. مواردی که صدور این قرار در مورد آن‌ها مناسب است عبارتست از مواردی که در آن‌ها دلایل مبنی بر اعتقاد به کاهش ریسک ارتکاب مجدد جرم توسط زندانی آزاد شده وجود داشته باشد.

بایستی در موارد مقتضی امکان صدور چنین قراری توسط مقام تعقیب پس از محکومیت به دادگاه اعلام گردد. یک شخص که بریتانیا را در زمان ممنوعیت از سفر ترک کند یک جرم موضوع تبصره ۱ ماده ۳۶ قانون عدالت کیفری پلیس مصوب ۲۰۰۱ را مرتکب شده است.

این جرم یک جرم دو وجهی است و به شکل زیر قابل مجازات است:

- متعاقب رسیدگی اختصاری به شش ماه حبس یا جزای نقدی که از حداکثر قانونی تجاوز نکند.

- متعاقب رسیدگی بر اساس کیفرخواست حبسی که بیش از پنج سال نخواهد بود.

۳-۲. امکان درخواست پلیس جهت صدور قرار فرعی^۱

به منظور تضمین بی‌طرفی دستگاه عدالت کیفری به عنوان مرجع تعقیب، لازم است که پلیس دانش و تخصص خود را همواره افزایش داده و خود را با تحولات اجتماعی تطبیق دهد. (هینداتو، ۱۳۷۶: ۴۶) در نظام کیفری انگلستان از آنجا که مرجعی تحت عنوان دادسرا وجود ندارد موارد تحقیقی را برخلاف کشور ما که بازپرس عهده دار انجام آن است، پلیس انجام می‌دهد و وظیفه تعقیب نیز هم‌چون کشور ما به عهده دادستان است. البته لازم به ذکر است که در

¹ Orders on complaint by a chief officer of police

کشور ما نیز ضابطین تحت تعلیمات دادستان علی‌الاصول تحقیقات مقدماتی را زیر نظر بازپرس انجام می‌دهند لیکن جز در مورد جرایم مشهود اختیار آن‌ها جهت اقدامات بدون دستور بازپرس محدود است. در انگلستان، این پلیس است که به عنوان یک نهاد و مرجع مستقل از دادستان عمومی، تصمیم به آغاز تعقیب می‌گیرد. (جی آر، ۱۳۸۴: ۸۵). البته پس از تاسیس CPS تخصیص مسئولیت‌ها تغییر کرد (اسپراک^۱، ۲۰۰۵: ۶۹). لیکن در خصوص تفاوت قرارهای فرعی در حقوق انگلستان و قرارهای نظارت قضایی در حقوق ایران از جهت مقام صلاحیت‌دار تفاوت وجود دارد؛ به این معنا که درست است پلیس در نظام حقوقی انگلستان وظیفه تحقیق را با نظارت دادستان برعهده دارد لیکن علی‌الاصول اختیار صدور قرار فرعی را ندارد و صرفاً درخواست صدور قرار فرعی کیفری را از دادگاه جزا و صلح می‌نماید. البته در برخی موارد، دادگاه صلح نیز رأساً مبادرت به صدور قرار فرعی می‌نماید. با این وجود، پلیس این درخواست را به دادگاه جزا ارائه می‌نماید و دادگاه نیز با بررسی موضوع اقدام به صدور قرار فرعی می‌نماید؛ لیکن آنچه در خصوص چنین قرارهایی جلب توجه می‌نماید جنبه پیشگیرانه آن‌هاست. در نظام کیفری انگلستان اغلب قرارهای فرعی قابلیت صدور، حتی پیش از صدور حکم را نیز دارند و این باعث شده است تا مقام‌های تعقیب و روسای پلیس نیز در این خصوص از اختیاراتی برخوردار بوده و در زمان صدور حکم نیز مقام تعقیب در اغلب مواقع طرف مشورت قاضی صادر کننده رای اصلی خواهد بود. لذا می‌توان از این رویه اتخاذی، اهمیت تحقیقات مقدماتی و تاثیر آن در صدور قرار فرعی را دریافت. این که تصور شود قرارهای فرعی و یا مجازات‌های تکمیلی تدابیری هستند که بدون توجه به صبغه تحقیقات و یافته‌های مقام تعقیب و تحقیق در مرحله صدور حکم بایستی مورد نظر قضات قرار گیرند اشتباهی است که در تصمیم قضات نسبت به انتخاب قرارهای فرعی و مجازات‌های تکمیلی تاثیرگذار بوده و نهایتاً باعث عدم کارایی قرارهای فرعی و مجازات‌های تکمیلی می‌گردد. در مواردی که جرم ارتكابی، نشان‌دهنده حالت خطرناک مرتکب باشد و این شرایط دیگران را در معرض آسیب قرار دهد و حتی در مواردی که جرمی حادث نشده لیکن حالت خطرناک فردی به اثبات رسیده باشد پلیس اقدام به درخواست از دادگاه مبنی بر صدور قرار فرعی می‌نماید. در این خصوص، می‌توان به ماده ۱۰۴ قانون جرایم جنسی مصوب سال ۲۰۰۳ اشاره نمود. بر اساس ماده مذکور چنانچه دادگاه متقاعد شده باشد که جهت حمایت از یک نفر یا بیشتر از آسیب‌های شدید جنسی صدور قرار پیشگیرانه جنسی ضرورت دارد، می‌تواند مبادرت به صدور قرار مذکور نماید و بر اساس ماده ۱۰۷ قانون مذکور، مدت این قرار می‌تواند تا پنج سال باشد؛ بدین معنا که مجرم در طول پنج سال مذکور بایستی شرایط و محدودیت‌های موجود در

². Sprack

قرار را رعایت نماید. نکته جالب توجه آن که دادگاه ممکن است چنین قراری را خارج از رسیدگی و با درخواست پلیس صادر کند. محتوای این قرار به طور کلی منفی (سلبی) و پیشگیرانه است و ممکن است شامل ممنوعیت در ایجاد هر نوع تماس یا ارتباط با شخص کمتر از شانزده سال و عدم سکونت در یک سکونتگاه شخصی در جایی که فرد کمتر از شانزده سال اقامت دارد باشد. در خصوص قرارهای رفتار ضد اجتماعی نیز چنین رویکردی در نظام تقنینی و قضایی انگلستان وجود دارد. وسیع ترین اختیارات دادگاه برای تحمیل محدودیت‌های پیشگیرانه در خصوص رفتارهای ضد اجتماعی پیش‌بینی شده است. دادگاه می‌تواند این قرار را چه بر اساس درخواست پلیس، شورای محلی یا دیگران و یا به عنوان قراری متعاقب محکومیت صادر کند. البته بیشتر این قرارها پس از محکومیت صادر می‌گردند لیکن در هر حال دادگاه باید متقاعد شود که مرتکب سبب آزار و آشوب و رفتار ضد اجتماعی است. ملاحظه می‌شود که در رسیدگی‌های کیفری انگلستان، اختیار درخواست صدور قرارهای فرعی که علی‌الاصول متعاقب صدور حکم اصلی قابلیت اصدار دارند به پلیس داده شده است.

۴. وجوه افتراق قرارهای فرعی انگلستان و نهادهای مشابه در ایران

در نظام کیفری انگلستان از آن‌جا که مرجعی تحت عنوان دادسرا وجود ندارد، موارد تحقیقی را برخلاف کشور ما که بازپرس عهده دار انجام آن است، پلیس انجام می‌دهد و وظیفه تعقیب نیز هم چون کشور ما به عهده دادستان است. لیکن در خصوص قرارهای فرعی در حقوق انگلستان و قرارهای نظارت قضایی در حقوق ایران از جهت مقام صلاحیت دار تفاوت وجود دارد؛ به این معنا که درست است پلیس در نظام حقوق انگلستان وظیفه تحقیق را با نظارت دادستان برعهده دارد لیکن علی‌الاصول اختیار صدور قرار فرعی را ندارد و صرفاً درخواست صدور قرار فرعی کیفری را از دادگاه جزا و صلح می‌نماید. البته در برخی موارد دادگاه صلح نیز رأساً مبادرت به صدور قرار فرعی می‌نماید. با این وجود، پلیس این درخواست را به دادگاه جزا ارائه می‌نماید و دادگاه نیز با بررسی موضوع اقدام به صدور قرار فرعی می‌نماید؛ لیکن آنچه در خصوص چنین قرارهایی جلب توجه می‌نماید جنبه پیشگیرانه آن‌هاست. در مواردی که جرم ارتكابی نشان‌دهنده حالت خطرناک مرتکب باشد و این شرایط دیگران را در معرض آسیب قرار دهد و حتی در مواردی که جرمی حادث نشده لیکن حالت خطرناک فردی به اثبات رسیده باشد پلیس اقدام به درخواست از دادگاه مبنی بر صدور قرار فرعی می‌نماید. در این خصوص می‌توان به ماده ۱۰۴ قانون جرایم جنسی مصوب سال ۲۰۰۳ اشاره نمود. بر اساس ماده مذکور چنانچه دادگاه متقاعد شده باشد که جهت حمایت از یک نفر یا بیشتر از آسیب‌های شدید جنسی، صدور قرار پیشگیرانه جنسی ضرورت دارد می‌تواند مبادرت به صدور قرار مذکور نماید و بر اساس ماده ۱۰۷ قانون مذکور مدت این قرار

می تواند تا پنج سال باشد؛ بدین معنا که مجرم در طول پنج سال مذکور بایستی شرایط و محدودیت‌های موجود در قرار را رعایت نماید. نکته جالب توجه آن که دادگاه ممکن است چنین قرار را خارج از رسیدگی و با درخواست پلیس صادر کند. محتوای این قرار به طور کلی منفی (سلبی) و پیشگیرانه است و ممکن است شامل ممنوعیت در ایجاد هر نوع تماس یا ارتباط با شخص کمتر از شانزده سال و عدم سکونت در یک سکونت‌گاه شخصی در جایی که فرد کمتر از شانزده سال اقامت دارد باشد. در خصوص قراردادهای رفتار ضد اجتماعی نیز چنین رویکردی در نظام تقنینی و قضایی انگلستان وجود دارد. وسیع‌ترین اختیارات دادگاه برای تحمیل محدودیت‌های پیشگیرانه در خصوص رفتارهای ضد اجتماعی پیش‌بینی شده است. دادگاه می‌تواند این قرار را چه بر اساس درخواست پلیس، شورای محلی یا دیگران و یا به عنوان قرار متعاقب محکومیت صادر کند. البته بیشتر این قرارها پس از محکومیت صادر می‌گردند لیکن در هر حال دادگاه باید متقاعد شود که مرتکب سبب آزار و آشوب و رفتار ضد اجتماعی است. ملاحظه می‌شود که در رسیدگی‌های کیفری انگلستان، اختیار درخواست صدور قراردادهای فرعی که علی‌الاصول متعاقب صدور حکم اصلی قابلیت صدور دارند به پلیس داده شده است. اما در خصوص اختلاف قراردادهای فرعی قبل از صدور حکم به مجازات اصلی در انگلستان و قراردادهای نظارت قضایی در کشور ایران، می‌توان به مشخص بودن حدود و ثغور و محتوای دقیق قراردادهای فرعی در انگلستان و کلی بودن تدابیر موجود در ماده ۲۴۷ قانون آئین دادرسی کیفری اشاره نمود. در ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری صرفاً به درجات مجازات‌هایی که در خصوص آن‌ها امکان صدور قراردادهای نظارت قضایی وجود دارد بسنده شده است. در حالی که در خصوص قراردادهای فرعی که قبل از صدور مجازات اصلی در نظام انگلستان قابلیت صدور دارند همان ملاحظاتی که در خصوص قراردادهای فرعی متعاقب صدور مجازات اصلی وجود دارد مشاهده می‌گردد با این تفاوت که در این مورد مرجع درخواست کننده، مقامات تحقیق بوده‌اند. البته در مواردی که پلیس رأساً قراردادهای فرعی را اجرا نماید نیز کیفیت و ماهیت و محدوده امکان صدور آن‌ها با توجه به نوع جرایم ارتكابی به وضوح مشخص شده است.

نتیجه گیری

قراردادهای فرعی از جمله تدابیر نظام عدالت کیفری است که هم سو با نظریات مرتبط با حقوق کیفری مدرن در راستای توجه به شخصیت مجرم به وجود آمده است و سعی در اعمال آن با توجه به شخصیت مجرم و جرم ارتكابی دارد. تا آن‌جا که این مجازات‌ها بر اساس همین دو مبنا بر مجرم تحمیل می‌شوند.

توجه به مرتکب جرم خصوصا جهت پیشگیری از جرایم احتمالی آتی با رویکردی اصلاح گرایانه و در جهت فردی کردن برخورد نظام عدالت کیفری و نیز توجه به بزه دیده و تاثیر قرارهای مذکور در فرایند تعیین کیفر از مواردی است که از تعریف قرارهای مذکور نیز قابل استناط است. نکته ای که در خصوص قرارهای فرعی جلب توجه می نماید تنوع قابل ملاحظه ای است که سبب می شود قاضی مربوطه با توجه به نوع جرم مبادرت به تعیین قرار مربوطه بنماید. از جانب دیگر و با توجه به اسناد بالادستی چون کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، هر تدبیری علاوه بر مجازات اصلی بایستی جنبه صرفا پیشگیرانه و نه تنبیهی داشته باشد. با توجه به آن که در نظام کیفری انگلستان، پلیس در امر تحقیق دارای اختیارات گسترده می باشد، لذا امکان پیشنهاد تصمیماتی که صبغه پیشگیرانه و تنبیهی داشته باشند برای وی مهیا می باشد.

با توجه به تفاوت در ساختار نظام عدالت کیفری انگلستان و ایران هم از جهت عرفی بودن حقوق انگلستان و پیروی از متون مدون یعنی قانون در ایران و نبود نهادی تحت عنوان بازپرس در نظام قضایی انگلستان، به نظر می رسد پیش بینی اختیارات پلیس انگلستان برای مقامات قضایی دادسرا در ایران می تواند در راستای پیشگیری آن هم در مفهوم مورد اشاره در این مقاله راهگشا باشد.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

منابع

- آخوندی، محمود (۱۳۷۹). **آیین دادرسی کیفری**، جلد چهارم، انتشارات اشراق، چاپ اول.
- استفانی، گاستون و ژرژ لواسور، برنار بولک (۱۳۷۷). **حقوق جزای عمومی**، ترجمه حسن دادبان، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول.
- اصغری، عبدالرضا و سرمدی واله، علی (۱۳۹۱). **پیشگیری اجتماعی از جرم در قانون برنامه پنجم توسعه**، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۴.
- بولک، برنار (۱۳۸۶). **کیفرشناسی**، برگردان: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، چاپ نخست.
- پردال، ژان (۱۳۸۸). **تاریخ اندیشه‌های کیفری**، برگردان: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات سمت، چاپ نخست.
- پرویزی، رضا (۱۳۸۵). **بررسی حدود اختیارات پلیس ایران در فرایند کیفری**، دفتر تحقیقات کاربردی معاونت حقوقی و امور مجلس ناجا.
- رهامی، محسن (۱۳۹۲). **اقدامات تأمینی و تربیتی**، تهران، نشر میزان، چاپ دوم.
- سبزواری نژاد، حجت (۱۳۹۰). **چگونگی تعیین مجازات در دادگاه‌های انگلستان**، ترجمه یک رویکرد عملی برای دادرسی کیفری اثر جان اسپراک، مجله تعالی حقوق، سال چهارم، شماره ۱۵.
- شجاع شفیعی، محمد مهدی (۱۳۷۹). **نقش و وظایف ضابطین در حقوق کیفری ایران**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- صبوری پور، مهدی (۱۳۸۳). **جایگاه پیشگیری نخستین از جرم در انگلستان**، ترجمه رساله جرم‌شناسی کن پیز، مجله حقوقی دادگستری، سال شصت و هشتم.
- صیقل، یزدان و حسینی سید مهدی، (۱۳۸۹). **پیشگیری کنشی از جرایم سمعی و بصری**، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره شانزدهم.
- غلامی، حسین (۱۳۹۵). **کیفرشناسی، کلیات و مبانی پاسخ شناسی جرم**، نشر میزان، چاپ اول.
- فوکو، میشل (۱۳۷۸). **مراقبت و تنبیه: تولد زندان**، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاندیده، نشر نی، چاپ اول.
- کریستین لازرژ (۱۳۹۰). **درآمدی بر سیاست جنایی**، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم.
- کی نیا، مهدی (۱۳۶۹). **مبانی جرم‌شناسی**، جلد نخست، تهران، دانشگاه تهران.
- گاستون، استفانی، لواسور، ژرژ، بولک، برنار (۱۳۷۷). **آیین دادرسی کیفری**، جلد اول، ترجمه حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۷۸). **بایسته‌های حقوق جزای عمومی**، تهران، نشر میزان، چاپ دوم.
- متولی‌زاده نایینی، نفیسه (۱۳۸۴). **موانع تعقیب دعوای عمومی در حقوق ایران و انگلستان**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

- ملکوتی، نصیر (۱۳۸۹). **مجازات‌های اجتماعی در حقوق ایران و انگلستان**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- مهر، نسرین (۱۳۸۶). **کیفر و چگونگی تعیین آن در فرایند کیفری انگلستان (با تکیه بر کارکردهای کیفر)**، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۵.
- مهر، نسرین (۱۳۹۴). **نظام حقوقی انگلستان**، نشر میزان، چاپ سوم.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۲). **از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی**، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، الهیات و حقوق، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰.
- نوربها، رضا (۱۳۸۷). **زمینه حقوق جزای عمومی**، نشر گنج دانش، چاپ بیست و یکم.
- هیندارتو، محمد (۱۳۷۶). **پلیس و دستگاه‌های عدالت کیفری**، ترجمه نسرین مهر، مجله امنیت وزارت کشور، شماره ۳.
- یکرنگی، محمد (۱۳۸۵). **حدود اختیارات پلیس در ایران و انگلستان**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

References:

- Ashworth, Andrew, Sentencing and criminal justice, Fifth Edition, Oxford University Press, 2006.
- Ashworth, Andrew and Redmayne, Milk, The Criminal Process, Oxford University Press, Third Edition, 2004.
- Ashworth, Andrew, criminal justice and deserved sentences, from: punishment By: duff Antony Dartmouth, 1993 .
- Clarkson, C.M.V, keating. H.M, Criminal law: text and material, London, seewet and Maxwell, fourth edition, 1993.
- Cohen, S. (1979) The Punitive City: Notes on the Dispersal of Social Control, Contemporary Crises, 3: 339-63.
- Dyzenhaus, David, The Legitimacy of Legality, The University of Toronto Law journal, vol.46, No.1, (winter, 1996), university of Toronto press Stable URL. Avou lable at: <http://www.jstor.org/stable/825889>.
- European court of human rights, case of m.v. Germany, application no.1935/04,17-December 2009.
- Farajiha Ghazvini, Mohammad, Police Protection to Victims Of Crime, Deep and Publications, 2002.
- Feely, M. and Simon, J. (1992) "The new penology: notes on the emerging strategy of corrections and its implications", Criminology, vol.30.
- Fletcher, George p, Basic concepts of legal thought, New York, Oxford university press, 1999.
- Flew.A (1954) The justification of punishment, in HB acton (ed) (1969) The philosophy of punishment, London, Macmillan.
- Gilbert, M.J. (2014) Restorative justice, in: the encyclopedia of theoretical criminology, J. Mitchel Miller, Wiley Blackwell, UK.
- Gregory P.Orvis and Jhon David Reitzel (2008) Balncing criminal victims and criminal defendants rights in: Lura J. Monarty (ed.), controversies in victimology, second edition, Anderson publication co.

- Hart, A, C, T, Criminal Law Policy in the Netherland, in Criminal Law in Action, An Overview of Amesterdam, Conference 1986, Amesterdam, J, J, M, Van, Dijk, Niles Jareborg, S, stolwijk, Martines Nijhoff publishers.
- Jehle, Jorg- martin, The Function of Public Prosecution from a European Coparative Perspective, Given at the UNDP- POGAR Conference In Cairo: 17-18 May 2005.
- Mabbot, J, D. Professor flew on punishment, philosophy, 1995.
- Malsch, M. and Duker, M. (2012) Incapacitaion, trends and new perspectives, Ashgate pub., UK.
- Nagin, D. and Pagrasky, G. (2001) Integrating celerity, impulsivity and extra legal sanction threats into model of general deterrence: theory and evidence, Criminology, 39(4), 2001.
- Penal reform international (2000) Access to justice in sub-sahran Africa, Astron printers. London.
- Roger, P, Joseph, J, Review, Ability of Prosecutorial Discretion: failure to Prosecute, Clombia law Review, Vol 75, No 1.
- Sherman, L.W. and Strange, H. (2007) Restorative justice: the evidence, The smith institute, UK.
- Sprack, John, Emmins on Criminal Procedure, Sixth Edition, Black Stone Press, England.
- Wasik, M(2001), Emmins on sentencing, oxford university press.